

# قربانیانی که باید از خشونتگر خود جدا زندگی کنند

عکس: [Bigstock.com](http://Bigstock.com) / lolostock

موسی برزین خلیفه لو - پژوهشگر حقوقی

به هنگامی که یکی از اعضای خانواده مرتبا و مکررا مورد خشونت عضو دیگر خانواده قرار می گیرد، مهمترین و اولین اقدامی که لازم است انجام شود، دور کردن مرتکب خشونت از قربانی است.

به این معنی که لازم است محل زندگی قربانی خشونت خانگی و مرتکب آن جدا شده به طوری که احتمال رود رو شدن از بین برود. چرا که ادامه زندگی در یک محل، اعمال خشونت توسط مرتکب را تسهیل کرده و چه بسا ممکن است خسارتهای جسمی و روانی جبران ناپذیری متوجه قربانی خشونت خانگی شود.

جدا کردن محل زندگی مرتکب با قربانی در درجه اول نوعی تدبیر حمایتی و تضمین جانی و جسمی نسبت به قربانیان خشونت خانگی و از طرف دیگر در برخی موارد به عنوان مجازاتی برای مرتکب قربانی خشونت خانگی است.

به همین منظور کشورهای مختلف در این زمینه تدابیر حقوقی و غیر حقوقی متنوعی را پیش بینی کرده اند. به عنوان مثال در بیشتر کشورها به هنگامی که شوهر مرتکب خشونتهای جسمی علیه همسر خود می شود، یا کودک مورد آزار و اذیت یکی از والدین قرار می گیرند، زن می تواند با مراجعه به دادگاه شوهر را الزام به ترک خانه مشترک کند و یا مرجع قضایی پدر یا مادر مرتکب خشونت را از محل زندگی کودک دور کند.

به هر حال قوانین و مقررات می توانند برای جلوگیری از تکرار خشونت و همچنین رهایی قربانی از موقعیت خشونت بار تدابیری را پیش بینی کنند.

یکی از این تدابیر جدا کردن محل زندگی مرتکب و قربانی خشونت خانگی است. در این نوشته سعی می کنیم حقوق ایران را در این مورد بررسی کرده و نقاط ضعف و قوت آن را بیان کنیم. به همین منظور موضوع را از دوجنبه مورد بررسی قرار می دهیم. جنبه کیفری و دیگری جنبه مدنی. به عبارتی در این نوشته به این پرسش که در حقوق ایران چه مقرراتی برای جدا کردن محل زندگی مرتکب و قربانی خشونت خانگی و یا الزام مرتکب به ترک خانه وجود دارد؟ پاسخ خواهیم داد.

## **الزام به ترک خانه به عنوان یک مجازات تکمیلی**

بر اساس حقوق بسیاری از کشورها به هنگامی که فردی در خانواده مرتکب خشونت خانگی خطرناک می شود و یا خشونت خود را تکرار می کند، می توان مرتکب خشونت خانگی را برای مدت معینی از خانه دور کرد.

این امر با مراجعه به دادگاه امکان پذیر خواهد شد. الزام به ترک خانه به عنوان تدبیر حمایتی مدنی در حقوق ایران جایگاهی ندارد اما در برخی موارد به عنوان نوعی مجازات تکمیلی در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است نباید الزامات مدنی را با مجازاتهای تکمیلی اشتباه گرفت. مجازاتهای تکمیلی، نوعی مجازات است که در حوزه حقوق کیفری قابل طرح است. این مجازاتها که در کنار مجازات اصلی اعمال می شود، صرفا نسبت به اعمالی قابل اعمال است که در قانون جرم بوده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است در حالی که الزامات مدنی در حوزه حقوق مدنی مطرح شده و الزامات شامل مجرمین نیست؛ زیرا چه بسیارند خشونتهای خانگی ای که جرم نیستند ولی در جای خود خطرناکتر از جرایم است.

به هر حال بر اساس ماده 23 قانون مجازات اسلامی، دادگاه می تواند در برخی از جرایم حکم به منع از اقامت در محل زندگی مشترک دهد. یکی از موارد خشونت خانگی که در حقوق ایران جرم انگاری شده است ضرب و جرح است. ضرب و جرح مستوجب مجازات قصاص یا دیه و در برخی موارد تعزیر است. همچنین توهین و تهدید نیز به عنوان خشونت خانگی غیر فیزیکی در حقوق ایران جرم انگاری شده است.

حال چنانچه مرتکب خشونت خانگی در دادگاه به این جرایم محکوم شود و جرم وی از مواردی باشد که در ماده 23 ذکر شده است، دادگاه می تواند به عنوان تکمیل مجازات مرتکب خشونت خانگی را حداکثر تا دو سال از رفت و آمد به خانه مشترک منع کند و یا اینکه محل معینی به غیر از خانه مشترک تعیین کرده و مرتکب خشونت را ملزم به اقامت در آن محل کند. گرچه این مجازاتهای تکمیلی بیشتر در راستای سیاست اصلاح مجرم بوده و بزهکار محور است و هدف قانونگذار نیز از پیش بینی آن حمایت از بزه دیده نبوده است، اما

ممکن است نتیجه حمایتی برای بزه دیده نیز داشته باشد.

بر طبق این ماده: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه‌شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین

ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین...»

### حق ترک خانه توسط زن قربانی خشونت شوهر

یکی از وظایفی که قانون برای زنان در نظر گرفته است سکونت در منزلی است که شوهر تعیین می‌کند. بر اساس ماده 1114 قانون مدنی ایران: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.» بنابراین همانطور که از ماده پیداست، اصل بر این است که زن در خانه ای که شوهر در نظر گرفته است سکونت کند مگر اینکه بر خلاف آن توافق شده و اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. در مواردی که زن بدون عذر موجه اقدام به ترک خانه کند وی مستحق نفقه نخواهد بود.

اما در برخی موارد زن حق خواهد داشت که خانه مشترک را ترک کند یکی از این موارد زمانی است که وی در معرض خطر جسمی، جانی، مالی یا شرافتی از ناحیه همسر خود باشد.

خشونت خانگی علیه زن را می‌توان از عمده ترین موارد خوف ضرر بدنی یا شرافتی دانست. به عبارتی قانونگذار به زن حق داده است که وقتی در معرض خشونت خانگی قرار گرفت و این خشونت، تمامیت جسمانی و معنوی وی را به مخاطره افکند، خانه مشترک را ترک کرده و به مکان دیگری برود.

در این مواقع شوهر نمی‌تواند زن را از نفقه محروم کرده و یا وی را ملزم به بازگشت به خانه و انجام وظایف زناشویی کند زیرا زن با توسل به حقی که قانون برای وی در نظر گرفته است و با داشتن دلیل موجه اقدام به ترک خانه کرده است.

به همین دلیل زن حق خواهد داشت تا برطرف شدن عذر موجه به دور از شوهر خود زندگی کند بدون اینکه تخلفی در وظایف خود کرده باشد.

در این زمینه ماده 1115 قانون مدنی مقرر کرده است که: «اگر بودن زن با شوهر در يك منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.»

دقت در ماده فوق‌الذکر نشان می‌دهد که انواع مختلف خشونت خانگی می‌تواند از مصادیق خوف ضرر بدنی یا شرافتی و یا حتی مالی باشد. به عنوان مثال اگر زنی از طرف شوهر خود مورد ضرب و جرح قرار گرفته است و احتمال معقول تکرار این عمل می‌رود، بدون شک برای زن خوف و ترس از ضرر جسمی و جانی در صورت ادامه زندگی در یک خانه با شوهر خود ایجاد خواهد شد.

بدین جهت وی می‌تواند از حق خود استفاده کرده و با توسل به ماده 1115 خانه را ترک کند. همچنین است در موارد دیگر انواع خشونت خانگی. زیرا از لفظ ضرر شرافتی این‌گونه برداشت می‌شود که هرگونه خشونت غیر فیزیکی نیز می‌تواند متضمن آسیب شرافتی به زن شود.

به عنوان مثال متهم کردن زن به روابط نامشروع یا فحاشی و توهین و تهدید نسبت به وی که از مصادیق خشونت‌های روانی و کلامی است می‌تواند از مصادیق خوف ضرر شرافتی محسوب شده و در نتیجه زن را مستحق به ترک خانه مشترک کند.

قابل ذکر است مصادیق فوق‌الذکر نسبی است و نسبت به شرایط و همچنین وضعیت زن و شوهر متفاوت خواهد بود. بدین توضیح که هر خشونت خانگی نمی‌تواند برای زن حق ترک خانه را ایجاد کند و ضروری است این خشونت منجر به خوف ضرر بدنی، شرافتی یا مالی شود.

به نظر می‌رسد معیار سنجش این خوف عرف و خرد جمعی بوده و اثبات آن بر عهده زن قربانی خشونت خانگی باشد. در صورت اثبات این امر، دادگاه حکم به بازگشت زن به خانه را نخواهد داد و همچنین اگر دعوی از جمله طلاق مابین زن و شوهر مطرح باشد تا پایان محاکمه زن می‌تواند در مسکن دیگری زندگی کرده و از وظایف زناشویی اعم از وظیفه جنسی و غیر جنسی امتناع کند. در این زمینه ماده 1116 قانون مدنی مقرر کرده است: «در مورد ماده فوق‌الذکر مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکناى زن به تراضی طرفین معین می‌شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربائی

نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.»

بنابراین با توجه به موارد فوق می توان گفت زن قربانی خشونت همسر، می تواند خانه مشترک را ترک کرده و خود را از خشونت همسر برهاند.

### نتیجه گیری

جدا کردن محل زندگی مرتکب و قربانی خشونت خانگی، یکی از تدابیر مهم برای حمایت از قربانیان خشونت خانگی است. اصلی ترین روش این جدا سازی، الزام مرتکب به ترک خانه است.

در حقوق ایران چنین تدبیری پیش بینی نشده است اما به عنوان مجازات تکمیلی، دادگاه در برخی از خشونت‌های خانگی که جرم است، می تواند مرتکب خشونت خانگی را که مجرم شناخته شده است را برای مدت معینی از خانه مشترک دور کند.

همچنین بر اساس قانون مدنی زن قربانی خشونت خانگی می تواند تحت شرایطی محل زندگی مشترک را ترک کند. این تدابیر گرچه گامی مثبت برای حمایت از قربانی خشونت خانگی است اما بسیار محدود بوده و کافی نیست.